



ترامپ از «مادر بمب‌ها» استفاده کند،
PDF Compressor Free Version

«پدر موشک‌ها» را
به میدان می‌آوریم



آیا جنگ ایران
و آمریکا در ۲۴
ساعت آینده از سر
گرفته می‌شود؟



یکشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۵ / ۲ جمادی الاول ۱۴۴۸ هـ. ق / 2026 October 18 / شماره ۷۳۳۲ / سال بیست و نهم

یادداشت

ایران دیروز، آذربایجان امروز

نسبیه پیرایش

آنچه امروز در آذربایجان جریان دارد، شباهت عجیبی به وقایع حدود یک قرن پیش در ایران دارد؛ دورانی که تبعات آن، دهه‌ها بر ساختار اجتماعی کشور سایه افکند. همان زمان که رضاخان با سفر به ترکیه، مسیر تحولات فرهنگی ایران را با رویکردی متفاوت ترسیم کرد.

رضاخان که در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی رسید، با گستره‌ای از اصلاحات و بنیان‌گذاری‌ها سعی کرد تا پایه‌های یک کشور منظم و مدرن را بنا بگذارد. تأسیس ارتش مدرن، تأسیس دانشگاه تهران، احداث راه آهن جنوب به شمال، اصلاحات گسترده اداری و تأسیس کارخانجات متعدد در اقصی نقاط کشور از جمله اقداماتی بودند که او در جهت توسعه و ترقی کشور انجام داد.

یکی از ستون‌های اصلی سیاست‌های فرهنگی دوران او، تغییر پوشش بود؛ سیاستی که پس از تثبیت قدرت، به صورت مرحله‌ای و طی سالیان متمادی دنبال شد. در همین راستا، مجلس شورای ملی در ۱۰ دی ۱۳۰۷، «قانون اتحاد شکل لباس اتباع ایرانی در داخل مملکت» را به تصویب رساند. طبق این مصوبه، تمامی اتباع مرد (به استثنای برخی روحانیان) موظف به پوشیدن لباس‌های متحدالشکل شدند و متخلفان با جریمه نقدی مواجه می‌گشتند. اجرای این قانون نیز از فروردین ۱۳۰۸ آغاز شد. این تحولات زمانی شدت گرفت که رضا شاه در سال ۱۳۱۳ به دعوت آتاترک به ترکیه سفر کرد؛ سفری که باعث شد او با الگوهای اصلاحاتی ترکیه آشنا شده و تصمیم بگیرد مسیر مدرن‌سازی ایران را با همان الگوها همسو کند.

بر اساس روایت‌های تاریخی، انگیزه اصلی اجرای این قوانین، ایجاد «توسعه» و همگامی با جهان بود. ظاهراً رضاشاه با مشاهده پیشرفت‌های ترکیه و کشورهای اروپایی، معتقد بود که عقب‌ماندگی‌های ایران، ریشه در سنت‌ها و باورهای غلط دارد. او بر این باور بود که با متحدالشکل کردن پوشش مردان و تغییر در ظاهر زنان، می‌توان از موانع فرهنگی عبور کرد و با تغییر در «نمای بیرونی»، به تغییر در «طرز فکر» و فرهنگ دست یافت؛ امید به اینکه تجدد و پیشرفت در پی تغییرات ظاهری، در بطن جامعه رخ دهد. ادامه در همین صفحه

از ایروان تا بغداد تحرک دیپلماتیک ایران در ۲ اجلاس مهم

گزینه های مطلوب آمریکا برای حکومت در ایران

* عاطفه پیرایش دانشجوی دکتری فلسفه



در ماه های اخیر، اخبار متعددی از انهدام گروه های مسلح در جنوب شرقی ایران به دست نیروهای نظامی جمهوری اسلامی منتشر شده است. با وجود این، ترور اعضای سپاه و بسیج در این منطقه همچنان ادامه دارد. حال این دست از اتفاقات از مرزهای سیستان و بلوچستان فراتر رفته و در شمال کشور نیز یک مورد قتل عضو بسیج در شهر ساری گزارش شده است، هر چند روشن نیست که آیا قتل او، ترور سیاسی بوده یا اینکه قاتل انگیزه ی دیگری داشته است.

خبر مشابه دیگر این است که فردی مسلح در جریان همایشی که عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی دولت روحانی در آن حضور داشته، دستگیر شده و گمانه زنی ها حاکی از آن است که او احتمالاً هدف ترور بوده اما جان سالم به در برده است. فرد مسلح مدعی شده است که عضو گروهی است که تصمیم به حذف فیزیکی دسته ای از چهره های سیاسی نظام گرفته اند.

از سوی دیگر، پزشکيان سفر خود را به آذربایجان شرقی به دلیل وجود تهدید امنیتی لغو کرد در حالی که پیش از این هیچ تهدید امنیتی متوجه او نبود و او حتی در زمان جنگ نیز به پناهگاه نرفته بود. بدین ترتیب، این پرسش مطرح می شود که دقیقاً چه چیزی در ایران تغییر کرده است؟

یک رویداد دیگر که ممکن است به این دسته از رویدادها مرتبط باشد، تجمع خشونت آمیز دسته ای از تندروها مقابل خانه ی رئیس جمهور

جنگ چهل روزه و ترور رهبر پیشین ایران بر سر زبان ها بود. ممکن است همه ی این اتفاقات، علت یکسانی داشته باشند و نشانه ای باشد از تضعیف اقتدار و از بین رفتن نظم مستقر، به طوری که یادآور سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی است. در این میان، ترامپ در سخنانی مدعی شد که رهبران ایران تنها از او می خواهند که ترورشان نکند. پیش از این، یک رسانه ی اسرائیلی مدعی شده بود که آمریکا لیستی از سیاستمداران ایرانی تهیه کرده است که اسرائیل نباید آنها را ترور کند. با این حال ترامپ تأکید می کند که نمی داند در حال حاضر چه کسی در ایران قدرت را در اختیار دارد و او با چه کسی باید صحبت کند.

پیش از این، برخی تحلیل گران می گفتند که ترامپ برخلاف نتانیاهو که صرفاً به فکر براندازی نظام است، به فردای براندازی نیز می اندیشد و گزینه های مطلوب آمریکا برای حکومت در ایران را بررسی می کند. همچنین برخی تحلیل گران پیش از این هشدار می دادند که تلاش آمریکا و اسرائیل برای براندازی حکومت مستقر در ایران در نهایت منجر به جنگ داخلی در ایران می شود، کما بیش شبیه آنچه در عراق، سوریه و افغانستان رخ داد.

حال باید این پرسش را مطرح کرد که آیا رخدادهای خشونت آمیز اخیر در واقع مراحل ابتدایی شروع یک جنگ داخلی در ایران هستند؟

ایران دیروز، آذربایجان امروز

ادامه یادداشت

به نظر می‌رسد الهام علی‌اف در آذربایجان، مسیر مشابهی را در پیش گرفته است؛ با این تفاوت که او پیش‌تر، حق انتخاب پوشش را به مردم سپرده بود و هر فرد می‌توانست بر اساس سلیقه یا اعتقادات خود در فضای عمومی حضور یابد.

علی‌اف اگر بخواهد توسعه را بهانه کند، باید بپذیرد که گام‌های نخستین این مسیر، در گرو احترام به تنوع افکار و سلیقه‌های متفاوت است. با تشدید سخت‌گیری‌ها و محروم کردن بخش بزرگی از جامعه‌ی مسلمان کشور از خدمات اجتماعی و عمومی، او در واقع در حال بسیج کردن خشم و اتحاد مخالفان علیه خود است.

تاریخ به ما می‌آموزد که توسعه‌ی تحمیلی، می‌تواند نتیجه‌ی معکوس داشته باشد. چه بسا اگر رضاخان در مسیر توسعه، از این چنین عجله‌ای پرهیز می‌کرد، مردم ایران امروز با سرنوشتی بسیار متفاوت از آنچه در آن هستند، روبرو می‌شدند.

عجله‌ی رضاخان در اجرای این سیاست‌ها، برخلاف هدف مد نظرش، بخش بزرگی از بدنه‌ی جامعه را علیه او و تمام نهادهای اجرایی‌اش بسیج کرد. اگر این سیاست‌ها با همراهی و رضایت مردم پیش می‌رفت، شاید امروز تاریخ او را نه به عنوان یک دیکتاتور وابسته، بلکه به عنوان مصلحی خیرخواه و پیشرو در مسیر مدرن‌سازی ثبت می‌کرد.

تلفن تماس

با دفتر روزنامه امین

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۴

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۹